روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۴ ■ ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۷ ■ ۱۶ مارس ۲۰۱۶ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۸۴۶ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۷ سال و ۸۷ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.08 ■ No.1846 ■ Wed.Mar.16, 2016 ■ ISSN:2008-2886

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهوری ویتنام:

سیاست قطعی ایران همکاری با آسیاست

صفحه ۲

گزارشی از اعداد و ارقام پرحرف و حدیث

ادامه انتقادها از آمارهای مرکز آمار!

صفحه ۱۶

گزارشی از عملکرد پرحاشیه دستگاه اجرایی در سالی که گذشت

برو کار می‌کن!

عکس: AP

تیترهای امروز

روحانیت انقلابی بماند

■ هشدار رهبر انقلاب درباره تضعیف تفکر انقلابی در حوزه در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم

■ باید حوزه علمیه، «انقلابی» بماند زیرا اگر حوزه علمیه انقلابی نماند، نظام در خطر «انحراف از انقلاب» قرار خواهد گرفت

صفحه ۲

انفجار تروریستی در برلین

صفحه ۱۵

ابوالمشاغل وزارت صنعت معرفی شد

۱۴ حکم برای یک نفر در یک روز!

صفحه ۳

چهارشنبه سوری بازهم کشته داد

صفحه ۴

«وطن‌امروز» گزارش می‌دهد

۹۴ پرحاشیه محیط‌زیست

صفحه ۴

گزارش

محمدرضا کردلو: اگر بخواهیم سال ۹۴ را با حساب‌وکتاب خودمان در عرصه سیاست، جامعه، فرهنگ و البته اقتصاد، مرور و بررسی کنیم، شروع سال ۹۴ را می‌شود به روش‌های مختلفی تعریف کرد. سال ۹۴ وقتی شروع شد، دقیقا ۴۸۰ روز از پایان وعده ۱۰۰ روزه حسن روحانی برای حل مشکلات کشور می‌گذشت. سال ۹۴ وقتی شروع شد، دقیقا ۱۹۵ روز از ادعای «عبور کردن از رکود» و ۲۵ روز از ادعای «تورم صفر» می‌گذشت. سال ۹۴ وقتی شروع شد، ۴۵ روز از ادعای روحانی درباره موفق بودن دولت در «محیط‌زیست» و «هوای پاک» و مساله «آلودگی هوا» می‌گذشت. سال ۹۴ زمانی آغاز شد که نزدیک به ۲ سال از ادعای بازگرداندن احترام به پاسپورت ایرانی می‌گذشت. سال ۹۴ با تقویم ما زمانی شروع شد که هنوز از ماحصل توافق ژنو عایدی نصیب مردم نشده بود. سال ۹۴ را با روزها و وعده‌ها اگر بشناسیم می‌توانیم معیار مناسبی برای کارآمدی دولت در این سال عرضه کنیم.

■ فکت‌شیت؛ نبود، منتشر می‌شود، منتشر شده

فروردین زمانی که عایدی از مذاکرات ژنو حاصل نشده بود، بلکه به استناد نامه وزرای دولت روحانی دقیقاً از زمان اجرای توافق ژنو در آذر ۹۲، خسارت‌های فراوانی نیز به کشور تحمیل شده بود، تیم مذاکره‌کننده راهی سوییس شد. دولت محمدجواد ظریف را برای به نتیجه رسیدن توافق هسته‌ای به لوزان فرستاده بود. مذاکرات لوزان در سیزده بدر مردم ایران به پایان رسید. در همان ایام و پس از بازگشت از لوزان، اظهارات متناقض درباره «فکت‌شیت» به یکی از سوژه‌های روز رسانه‌ها و افکار عمومی تبدیل شده بود. فکت شیتی که ظریف درباره آن می‌گفت: «وجود ندارد»، صالحی می‌گفت: «بزودی منتشر می‌شود» و رئیس‌جمهور نیز ادعا می‌کرد: «فکت‌شیت منتشر شده است».

■ تلخی فرودگاه جده

در حال و هوای ماجرای فکت‌شیت و مذاکرات، در دهه سوم فروردین، رسانه‌ای شدن ماجرای تعرض ماموران سعودی به ۲ نوجوان ایرانی در فرودگاه جده، بشدت خشم ایرانیان را برانگیخت. پس از ۱۰ روز تجمع، اعتراض و تشکیل کمپین‌های «احترام به پاسپورت ایرانی» در اعتراض به انفعال دستگاه دیپلماسی، دولت مجبور به لغو سفر عمره شد. با این همه حتی تا روزهای پایانی سال ۹۴ هم خبری از جزئیات محاکمه خاطیان فرودگاه جده به گوش نرسید و گویا دولت نتوانسته در این حوزه کار بخصوصی انجام دهد.

■ چه کسی یارانه‌ها را حذف کرد؟

یارانه‌ها یکی از جدی‌ترین مسائل اقتصادی و معیشتی کشور، در گیر و دار رفتاری تبلیغاتی- انتخاباتی و عدم تعیین شاخص و معیار برای حذف، در سال ۹۴ بارها به سوژه خبری رسانه‌ها و دغدغه اصلی مردم تبدیل شد. ربیعی اردیبهشت‌ماه اعلام کرد: «روحانی به من گفت، بی‌سروصدا حذف یارانه‌ها را شروع کنید». جهانگیری نیز در چند روز بعد گفته بود: «وضعیت فعلی یارانه قابل استمرار نیست». بعد اعلام شد که ۴ میلیون نفر حذف می‌شوند. سپس نوبخت این اعلام وزارت رفاه را تکذیب کرد و به همین نحو تاییدها و تکذیب‌ها ادامه داشت. از طرفی خود مسؤولان نیز آمار واحدی از حذف‌شده‌ها اعلام نکردند و این چندگانگی در آمارها و پنهان‌کاری دولت یک علت اصلی داشت؛ دستور شخص رئیس‌جمهور بر حذف بی‌سروصدای یارانه نقدی افراد. دولت اعتقادی به شفاف‌سازی در زمینه یارانه نقدی ندارد، چراکه می‌داند با روشن شدن حقیقت سوالات بی‌پاسخ بسیاری مطرح خواهد شد. عملکرد ۳۰ ماهه دولت در قبال یارانه نقدی نشان می‌دهد مسؤولان از تدوین یک برنامه جامع و کم‌ایراد عاجز هستند و به همین علت سیاست سکوت و پنهان‌کاری را در پیش گرفته‌اند. سیاست پنهان‌کاری که نتیجه شلختگی اقتصادی است در سایر حوزه‌های اقتصادی نیز مشاهده می‌شود و دولت با این وضعیت نمی‌تواند اقتصاد را از بحران خارج کند.

■ آب خوردن! تحریم!

خرداد را شاید بتوان ماه عجیب‌ترین اظهارنظر روحانی نام نهاد؛ وقتی او با صراحت لهجه خاص خود می‌گوید: تحریم باید از بین برود تا مشکل آب خوردن مردم حل شود. مردم به او در روز تشییع شهدای غواص پاسخ می‌دهند: آب

خوردن مردم به سلام بر حسین بستگی دارد، نه رفع تحریم‌ها! پیش‌تر از سوی دولت گفته شده بود که رفع تحریم‌ها در ازدواج جوانان و ساختن فیلم‌های فاخر تاثیرگذار است. این ادعای روحانی اما تنها ادعای جالب او در این ماه نبود. روحانی در ادامه قیمت خوراکی‌ها و اقلام وارداتی را نیز به تحریم وابسته کرد و گفت: اجناس وارداتی به خاطر تحریم «۱۵ درصد» گران‌تر به مردم فروخته می‌شود! روحانی در نشست خبری ۲ سالگی ۲۴ خرداد، به‌رغم اینکه در ۳ خرداد! بنزین را آزاد کرده بود، در اظهارنظری عجیب گفت: قیمت بنزین را افزایش ندادیم.

■ بورسیه و ما ادراک ماالبورسیه!

موضوع بورسیه‌ها، یکی از جنجالی‌ترین ادعاهای دولت حسن روحانی بود که البته پس از تبلیغات و ادعاهای کذب فراوان به تعداد اندکی رسید و از ادعای پیشین بورسیه غیرقانونی ۳۰۰۰ نفر به ۳۶ نفر رسید. برخی رسانه‌ها با استفاده از تیتر: «کوه بورسیه‌ها، موش زایید»، گزارش‌هایی درباره پروپاگاندای شدید رسانه‌های دولت منتشر کردند. رهبر معظم انقلاب با «بی‌اخلاقی» خواندن رفتار برخی مدیران در دولت یازدهم که تلاش کردند با ادعای دروغین بورسیه، دانشجویان تحصیلات تکمیلی فراوانی را با مشکل مواجه کنند، درباره این موضوع در تیرماه گفتند: «یکی از غلط‌ترین کارهایی که در این یکی، دو سال اخیر اتفاق افتاد، این مساله بورسیه‌ها بود. اگر راست هم بود این حرف - که البته بعد تحقیق کردند، معلوم شد به آن شکل، راست هم نیست؛ آن‌طوری که روزنامه‌ها با آن بازی کردند هم نبود؛ به ما گزارش‌های دقیق و براساس بررسی‌ها دادند- راهش این نبود که ما مساله را روزنامه‌ای کنیم. یک تعدادی برخلاف قانون یک امتیازی به‌دست آوردند؛ بسیار خب، راه قانونی وجود دارد: لغو کنند آن امتیاز را؛ سروصدا ندارد. جنجال درست کردن، حاشیه درست کردن است و این سم برای محیط علمی است که باید با آرامش کار خودش را دنبال بکند. این سم را متاسفانه افرادی براساس همان پایه‌های بینش فکری مبنی بر سیاسی‌کاری و سیاست‌بازی به کام دانشگاه کشور ریختند؛ چرا؟ علاوه بر اینکه ظلم هم شد - به خیلی‌ها ظلم شد- هم خلاف قانون بود این کار، هم خلاف تدبیر بود این کار، هم خلاف اخلاق بود؛ آن‌وقت مدام دم از اخلاق هم می‌زنند. توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند! این کار اخلاقی بود؟»

■ حالا مردم چکار کنند؟

مردادماه، در ۲ سالگی روی کار آمدن دولت روحانی، وی در گفت‌وگوی تلویزیونی خود اظهارات مهمی را بر زبان می‌آورد. او که حالا با انعقاد توافق با طرف غربی پیرامون مذاکرات به آنچه در پی‌اش بوده رسیده است، به شکلی صریح درباره تحریم‌ها و رابطه آنها با مشکلات اقتصادی داخل کشور سخن می‌گوید. حرف‌هایی که شاید به این زودی‌ها قدیمی نخواهد شد و به‌خاطر واقعی بودن، کماکان اعتبار دارد. او که پیش از انعقاد توافق گفته بود، آب خوردن مردم هم به تحریم‌ها ربط دارد، در پاسخ به مجری تلویزیون که سوال مردم را از روحانی می‌پرسد و می‌گوید: «حالا مردم چکار کنند؟»، پاسخ می‌دهد: «اینکه کسی فکر کند امروز توافق شد فردا صبح آثارش را می‌بینند اینطور نیست». در حالی که افکار عمومی براساس وعده‌های پیشین آقای رئیس‌جمهور و اطرافیانش، در انتظار خبرهای خوب وی از اثرات توافق بر وضعیت معیشتی خود بودند اما روحانی به‌گونه‌ای سخن گفت که به نظر می‌رسد مطابق انتظارات افکار عمومی نبود. روحانی البته در همین گفت‌وگو به منشأ مشکلات هسته‌ای اشاره و آلودگی دوران اصلاحات را یادآوری می‌کند. روحانی در بخشی از این گفت‌وگو اذعان کرد در دوران اصلاحات و زمانی که او دبیر شورایعالی امنیت ملی بوده است، سانتریفیوژهایی که ایران از پاکستان خریداری کرده بود، آلوده بودند و همین منشأ آلودگی که حتی به نطنز هم سرایت کرده بود، باعث ایجاد حساسیت در آژانس و آمریکا شد!

■ غم منا و فاجعه دیپلماسی

شهریورماه و در کش‌وقوس مجادله بر سر به مجلس رفتن یا نرفتن برجام و در حالی که دولت با تمام توان تلاش کرد برجام را به مجلس نفرستد، حسن روحانی گفت: «چیزی امضا نکردیم که به مجلس بفرستیم». وی همچنین مدعی شد: «تحریم‌ها را یک‌شبه لغو کردیم». با این حال باور عمومی این ادعاها را نمی‌پذیرفت، چرا که تاکنون نیز اثری از لغو تحریم‌ها روی زمین و به دور از کاغذبازی‌های دیپلماتیک دیده نشده است. در خلال همین روزهای آخر تابستان و اول پاییز که روحانی خود را برای سفر نیویورک مهیا کرده بود، فاجعه دلخراش مسجدالحرام اتفاق افتاد. به فاصله چندروز فاجعه منا در حالی اتفاق افتاد که روحانی در هواپیمای سفر به نیویورک بود. حادثه غم‌انگیز منا، که یکی از تلخ‌ترین وقایع سالیان اخیر برای مردم ایران است، پرده دیگری از ضعف دستگاه دیپلماسی را با آن همه دبدبه و کبکبه آشکار کرد، زمانی که ظریف برای دیدار با وزیر خارجه گستاخ سعودی با وضعیتی نامناسب پای امیر کویت در سازمان ملل نشست. در حالی که افکار عمومی، مردم و خانواده‌های جان‌باختگان انتظار داشتند حسن روحانی در نخستین ساعات شنیدن خبر فاجعه منا، از نیویورک به تهران بازگردد، وی این کار را نکرد و دید و بازدیدهایش در نیویورک را تمام و کمال ادامه داد. دیپلماسی ضعیف وزارت امور خارجه دولت حسن روحانی با انتقاد شخصیت‌های کشوری و لشکری و مراجع نیز همراه بود. تنها در یکی از واکنش‌ها به این دیپلماسی ضعیف، آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی از دولت گله کرد و گفت: «به نظر من اینجا باید گله درست و حسابی از دولت کرد. برخوردی که متاسفانه دولت ما دارد با این جریان می‌کند

بسیار برخورد نامناسبی است. کشوری که ۵۰۰ نفر از افرادش اینجوری تلف شدند و با این جنایت از بین رفتند خیلی بیش از این نیاز دارد به برخورد با این قضیه. نبایستی رها شود این قضیه. نبایستی در حد این بحث‌های معمولی انجام گیرد. این یک جنایت است. یک دشمنی است. یک تعدی و تجاوز است و غیر از آن هتاکی‌ها و بی‌اعتنایی‌هاست. معنا ندارد ۵۰۰ نفر از حجاج کشته شوند و از بین بروند و برخوردها در حد مسائل دیپلماسی معمولی باشد.... درد بزرگی است واقعا. باید تشخیص بدهیم تا کی می‌خواهیم در این مسائل سیاسی خودمان را گول بزنیم».

ادامه در صفحه ۱۲

روزنه

شغل‌های پیاده‌راه!

■ مهدی جابری ■

امسال دستفروش‌ها نشانه خوبی هستند برای سنجش صحت و سقم آمارهای شفاهی که درباره اشتغالزایی ارائه می‌شود، چرا که «کف خیابان» گویای واقعیت‌های موجود جامعه است و می‌توان از این طریق، آنچه را در خانه‌ها و زندگی مردم اتفاق می‌افتد لمس کرد. پیاده‌راه‌های سراسر کشور این روزها بار اضافی و سنگین ناشی از بیکاری و نبود ثبات شغلی را به دوش می‌کشند! هر وجب از پیاده‌راه‌ها، منبعی برای درآمد یک خانواده است و آنهایی که امیدی به تدبیر در حوزه اقتصاد و اشتغال کشور ندارند، دست به دامان سنگفرش‌های کج و معوج، موزاییک‌های شکسته و آسفالت‌های رنگ و رو رفته شده‌اند تا شاید بتوانند گلیم خاکی و ساده خود را از این اوضاع پسابرجامی و پساتحریمی بیرون بکشند.

حضور دستفروش‌ها در روزهای آخر سال ۱۳۹۴ برخلاف مدت مشابه در سال‌های گذشته آنقدر پررنگ است که شهرداری‌ها و نهادهای اجتماعی را برای ساماندهی و رسیدگی به این وضعیت با مشکل، محدودیت و البته تردید مواجه کرده است و بسیاری از شهرداری‌های کشور ترجیح داده‌اند که مواجهه بهتر و نرم‌تری با این شرایط داشته باشند، چراکه آنها می‌دانند که از طرفی توان مردم برای خرید از فروشگاه‌ها کاهش یافته و چاره‌ای جز خرید از دستفروش‌ها ندارند و از سوی دیگر، دستفروش‌ها برای ادامه حیات اقتصادی در این اوضاع و احوال ناگزیر از حضور در پیاده‌راه و حاشیه خیابان هستند.

در چنین شرایطی کمتر کسی پیدا می‌شود که از تضییع حقوق شهروندی توسط دستفروش‌ها سخن بگوید. این حرف‌ها زمانی خریدار دارد که سفره‌ها خالی نباشد. اکنون دغدغه اصلی بسیاری از مردم، نان است و آنها در این اندیشه‌اند که در نخستین تعطیلات نوروزی پسابرجامی و پس از آن همه سیمان‌کاری و بتن‌ریزی، حالا نان‌شان آجر نشود!

امسال فریادهای «آتش زدم به مالم» دستفروش‌ها آنقدر بلند است که مجالی برای ارائه آمار غیرواقعی و ساختگی از رونق اقتصادی و اشتغالزایی باقی نمی‌ماند؛ حتی کاسب‌های بازاری و مغازه‌دارها هم که از پایین بودن قدرت خرید مردم گلایه‌مندند و آن را موجب زیان خود می‌دانند این روزها زرق و برق فروشگاه‌شان را رها کرده و راهی «کف خیابان» شده‌اند تا آن چیزهایی را که نمی‌توانند زیر نور مهتابی و...

ادامه در صفحه ۱۶